

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۹ اگست ۲۰۰۹

پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"

سنگر پولادین "شعر و ادب"

امروز در زمرة پارچه های پنجگانه شعری پورتال، قطعه شعر نغز فخرالشعراء، جناب "اسیر" صاحب را زیر عنوان "سه یار همد و همنوا" خواندم. استاد "اسیر" منظومه خود را با مقدمه ای منثور چنین می آریند:

سه یار همدل و همنوا

دوستی این ارادتمند با محترمان الحاج ناظم باختری و نعمت مختارزاده از دیر زمان چون سه برادر و یا به تعبیر نعمت جان مختارزاده، نظر به کبر سن اینجانب، چون پدر و فرزند با پیوند ناگسستنی و اتحاد نظر در بیشتر موارد از جمله احوال وطن ویران ادامه داشته و با اتحاد نظر مشترکاً به تأیید و یا تردید یک موضوع مطالبی نوشته ایم، که خوش بختانه بسیاری از نوشته ها روزمره و تسلسل نام ها در پورتال وزین "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" به نشر می رسد. اخیراً به نقل قول از آقای مختارزاده یکی از خوش و یا بد بینان، حضور مسلسل ما سه نفر را به شوخی یا جدی، "سه تفنگدار" نامیده است. گرچه اشعار ناب شعرای محترم دیگری چون آقایان لطیف صدیقی للندری و دو بیتی های پرمحتوای جناب وثوق هم زیب صفحات پورتال می باشند، اما اینکه چرا این نام نیک به ما داده شده است، شعر ذیل جوابگوی آن است:

سه رفیق پاک باز و نیک پنداریم ما
«ناظم» و «نعمت»، «اسیر» از سالها یار همد
شیوه مردم پسند گفته های ما یکیست
نی به گفتاریم، تنها همدریف و هم خیال
طنز می گوئیم و از هم انتقادی می کنیم
ما به هم بستیم پیمانی که در راه وطن
جنگ سالاران که در میهن هجوم آورده اند
با خیانت پیشگان مملکت تا پای جان
گر کسی پا کج گذارد از طریق راستی
از برای وحدت اقوام محبوب وطن
گرچه خصلت یک دلی و خدمت مردم بود
تیره روز کج نهادی از سر کین گفته است
سه تفنگداریم آری، لیک بی توپ و تفنگ
ما «اسیر» و «ناظم» و «نعمت» به توفیق خدای
هر سه تا، خدمت گزاران وطنداریم ما

(ختم نقل قول)

گرچه جوابیه منظوم و منثور استاد بسنده بسنده هم هست، مگر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دست زیر لاشه ننشسته و در مقدمه، یادداشت ذیل را نوشت، که بیانگر موقف پورتال در زمینه میباید:

» ۸ اگست ۲۰۰۹

یادداشت پورتال:

استاد سخن و فخرالشعراء، جناب محمد نسیم "اسیر"، ضمن ارسالیه اخیر اشعار آبدار شان، پارچه نغز "سه یار همدل و همنوا" را فرستاده اند. گرچه استاد به آن "تبصره کنندگان" مجهول، جواب کافی و شافی ارائه فرموده اند، اما لازم می افتد که موقف پورتال نیز در زمینه پیش کشیده شود.

زمانی که حدوداً یک سال پیش پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پا به عرصه وجود گذاشت، هیچ کس باور نمیکرد، که این صفحه انترنتی افغانی، به فرموده حضرت حافظ، "یکشبه ره صد ساله" را بیماید و سمت پیشقراول تمام صفحات انترنتی افغانان را بخود اختیار نماید. صرف نظر از اهداف عالی ملی و آزادیخواه پورتال، که در هیچ سایت انترنتی دیگر افغانی سراغ نمیگردد، اگر از نگاه پهنا و طیف کار و فعالیت آن سخن رود، بدون شک بدین نتیجه میرسیم، که هیچ صفحه انترنتی افغانی را یارای مقابله و ایستادگی با آن نیست.

پورتال در پهلوی پخش مطالب بیشمار و ارزشمند دیگر، سنگر استوار و تسخیر ناپذیر "شعر و ادب" نیز شده است، چون همین اکنون شعرای نامدار افغانی در آن حضور دائمی و تعدادی از این فرهیختگان، حتی حضور روزمره دارند، که مایه مباهات ماست. ما ازین گرانمایگان کمال سپاس داریم، که مطابق با تقاضای صمیمانه و آرزوی قلبی پورتال، با ارسال اشعار شاهوار خویش، همه روزه زیب و زینت صفحات ما میگردند. باید بصراحت بگوئیم، که :

اگر از یکطرف این حضور همیشگی باعث دلخوشی و خشنودی دوستان و فراخ نظران گردیده است، چون هر روز از اشعار نغز دل و دیده روشن میسازند. از طرف دیگر همین نکته است که چشم تنگ معاندان و مخاصمان را می سوزاند و بر آن میداردشان، که گپهای کم و زیاد بزنند. درد اصلی حسودان فقط درینست، که حضور مداوم و بلاناغه شعرای فاخر افغان، از پورتال دژ مستحکم و سد سدید و بلا بدیل "شعر و ادب" نیز ساخته است.

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به کوری چشم حسادت و رزان، براه خویش ادامه داده و صفحات خود را کماکان با آثار و دست آوردهای نغز شاعران نخبه ما می آراید. از درگاه خداوندی برای شعرای گرانمایه خویش طول عمر، تندرستی و خاطر آرام نیاز داریم، تا همچنان از حضور پر برکات و پر میمنت ایشان، استفاده و استفاده نمائیم.» (ختم نقل قول)

چون هم جناب استاد اسیر و هم اداره پورتال AA-AA در برابر زبان درازی های آن هزلگوی مجهول الهویه، موقف صریح و جدی گرفته اند، میخوام ضمن این سطور از طریق "طنز" بحساب آن العیاذ بالله "سپاهی گمنام" برسم. پیش از گذر به اصل مطلب، چه باک دارد، که راجع به "سپاهی" و "سپاهی گمنام" سخنی چند بیارم؟؟؟
"سپاهی" که منسوب به "سپاه" و در معنای "فردی از سپاه" است، از لغات قدیم و زیبای دریست. در زبان عوام ما کلمه "سپاهی" عمومیت دارد، بیشتر از "عسکر" عربی و "سرباز" فارسی ایران. بیاد دارم، که وقتی در سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ هـ ش "جاده میوند" را بناء میکردند، در وسط آن و در نقطه تقاطع آن با "جاده نادر پشتون"، آیده ای ساختند، که بنام "سپاهی گمنام" (زبان عامیانه به ضم "سین" تلفظ میکند) یاد میگردید. از همین سبب این "آیده" در زبان عوام ما محض به همین نام خوانده میشود. این آیده برسم "سمبولیک" به تبجیل و تکریم از هزاران سپاهی "بی نام و بی نشان"ی آباد گردیده بود، که جانهای شیرین و خونهای مطهر خود را در راه آزادی و وطن قربان کردند و امروز کس از ایشان نامی هم نمیبرد. ایشان خاص برضای خدا و بخاطر وطن و آزادی، وارد معرکه با دشمنان گردیدند و توقعی هم از هیچکس نداشتند، که از ایشان یادی هم بکنند.

اینان قهرمانان واقعی ملت ما و تا روزگار است، چنین باد!!!!!!

بعدها که باد "تهاجم و یورش فرهنگی و زبانی" از ایران وزیدن گرفت، حتی همین نام زیبای "سپاهی گمنام" را نیز با "سرباز گمنام" عوض کردند. ما افغانها متأسفانه عادت کرده ایم، که "خوب" خود را از کف بدهیم و "بد" دیگران را بگیریم. من نمیگویم، که کلمه "سرباز" بد است. نه خیر، کلمه "سرباز" هم زیباست، اما وقتی ترکیب خیلی قشنگ و رسا و مأنوس "سپاهی" را داشتیم، دیگر مجبوریتی نبود، که آنرا با کلمه دیگری تعویض نمائیم. و کاش تراژیدی به همین یک کلمه و همین یک لغت تمام میگردید و دری زیبای ما از یورش فارسی ایران در امان میماند. با تأسف باید گفت، که دستهای پنهان و آشکار در کار است، تا نحوه دری افغانستان را از فارسی ایران متأثر بسازد. و درین مسیر روزی نیست، که لغت یا لغات ساخته فارسی ایران، وارد دری ما نگردیده و جای کلمات مأنوس ما را نگیرد. متأسفانه تعلیم یافتگان ما درین عرصه، دانسته و یا ندانسته، در خدمت غیر قرار گرفته اند. و از

زبان همینهاست، که بیشترین کلمات و اصطلاحات متداول فارسی ایران، وارد دری افغانستان میگردد. در حالی که اگر فرهنگیان رسالت خود را درست دریابند، باید داشته های فرهنگی و زبانی ما را چون "مردمک چشم" خود حفظ نمایند و نگذارند، که تندباد اجانب در آن رخنه ای بیاندازد.

سخن به درازا نکشد. درد دل بسیار نهمار و بیشمار است و درین مختصر حتی کسر کسیر و عشر عشیرش هم نگنجد. این قلم همان سان که در گذشته درین عرصه بیشتر از چهل مقاله بیرون داده است و در نظر دارد که همه را در آرشیف خود در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" احیاء نماید. علاوه بران این سلسله را تا جایی دنبال کند، که دردهای دل و گفتنی ها همه گفته آیند؛ اما درین سطور منظور دیگری دنبال میگردد، و آنچه آمد، فقط بر سبیل "آمد گپ"، آمد.

طنز "باتمک"

چون تعدادی از خوانندگان عزیز پورتال از دست طنزهای بی نمک "ماروفی صایب" به فریاد رسیده اند، این سطور را در نمک "دریای شور" اخته کرده، پیش میکشم، به امید اینکه دیگر کسی حدیث "بی نمکی" را بر زبان نیارد. خواننده ارجمند خواهد گفت، که به "حلاو گفتن دهان شیرین نمیشود". من هم به همین عقیده هستم، اما درینجا گپ سر "شوری"ست، نه سر "شیرینی".

آن خرده گیر بی مروتی که پارچه های پیایی و روزمره اشعار نغز پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، دیوانه و "بیوار"اش ساخته است، راهی دیگر نیافته، مگر اینکه بر سه تن از فرزندگان شعر دری افغانستان و همکاران گرانمایه پورتال بتازد. چندین روز پیش هم شخص فحاشی ضمن اسائه ادب به چند نفر از فعالان پورتال، بر خود پورتال نیز خرده گرفته و نوشته بود:

« شما که چیز دیگری برای عرضه کردن ندارید، چرا اسم سایت تان را "شعر و ادب" نمی گذارده؟ »

پورتال هم بلافاصله، به تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۰۹، زیر عنوان "پاسخ پورتال به یک فحاش بی هویت" جوابی درخور ارائه کرده و ضمن آن حمله ناجوانمردانه ای را که بر شاعران گرانقدر افغان و همکاران همیشگی پورتال وارد شده بود، شدیداً مردود و مطرود ساخت. اینک که از زبان فخر الشعراء جناب "اسیر"، شکایتی بالا شده است، میدانیم که خرده گیران "بی وقوف" از یک قماشند و به یک دستگاه نامیمون معلوم الحال ارتباط دارند. اما چرا اینان بر شاعران، که با احساس ترین افراد جامعه اند، اینطور سبانه و ددمنشانه حمله میکنند و ازین حملات چه هدفی را میخواهند برآورده بسازند؟؟؟

من بدین عقیده ام، که هدف اصلی خرده گیران بی وقوف، خود پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" است، چنانکه دهها تبصره بی معنایی که از این و آن شنیده شده، شاهد مدعا توانند بود. اینان که فعالیت گسترده و موفقیتهای چشمگیر و بی نظیر پورتال "خار چشم" شان گردیده و بمانند نیشتریست، که در قلب نامصفای ایشان فرو میروند، از هیچ فرصتی دریغ ندارند، تا نیش خود را به پورتال وارد نکنند. این مآل نیدیشان "جاغور گنجشکی"، اما بدانند که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پوست سبتر و بس سفت و ضخیم دارد، که نیشها را یکسره میشکند و نیشزنها را نومید میگرداند.

بله؛ چون این "کله گنجشکی"ها از حملات خود بر خود پورتال به اصطلاح حضرت حافظ "طرفی نیستند"، راه دیگری را برگزیدند. همان بود که بر سه شاعر و الا مقام ما تاختند. و خوشبختانه استاد بزرگوار "اسیر" صاحب هم جوابی ارائه فرموده اند، که هر "سی و دو" دندان چرکین آن "بی وقوفان" را میشکند.

گویند که "از گپ گپ میخیزه" یا "گپ از گپ میخیزه". حدیث از کلمه "بی وقوف" رفت. و دریغ می آید که معنای اصطلاحی آنرا در همینجا باز نگویم (و باصطلاح کج و معوج فارسی ایران - بازگو نکنم):

"وقوف" کلمه عربی و در معنای "آگاهی و دانستگی" است و "بی وقوف" یعنی "ناآگاه" و "بیخبر". دری افغانستان مگر این ترکیب را در معنای غیر اصلی آن استعمال میکند، و آن میراثیست از تداول مردم هندوستان، که از طریق فلمهای هندی وارد زبانهای افغانستان، از جمله "دری و پشتو"، گردیده است. در فلمهای هندی کلمه "بی وقوف" را برای اشخاص "بی بند و بار" و "انسانانی که پابند هیچ ضابطه ای نبودند"، استعمال میکردند. و همین مدلول اصطلاحی این ترکیب است، که در ملک ما تداول یافته و آنچه درین نوشته بکار رفته است، نیز در همین مفهوم میباشد.

خوانندگان ارجمند:

حتماً معذور و باصطلاح ملایان "معفو"یم خواهید داشت، که "طنز" از قالب خود تهی گشت و از انبساط خارج. چه کنیم؛ من سعی بندگی خود را بجا کرده و این سطور را در "دریای شور" شست و شو دادم، و به گفته ایرانیان "شستشو" دادم، اما سودی نبخشید، چون قدما گفته اند:

گلیم بخت کسی را که کرده اند سیاه به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد
یعنی اگر طنزهای "ماروفی صایب" را هزار بار در "دریای شور" هم بشوئید، همان بی نمکی
که استند، استند!!!!!!

تا طنزهای "بی - با - نمک" آینده!!!!